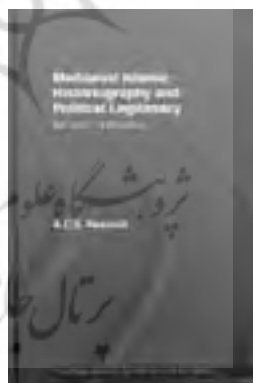


# تاریخ‌نامه بلعم و تاریخ‌طبره

بررسی انتقادی - تطبیقی

● جواد مرشدلو  
دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه تهران



- **Medieval Islamic Historiography and Political legitimacy; Bal'ami's Tarikhnama**
- **A.C.S. Peacock**
- **Routledge, London & NewYork, First published 2007**

نقد و بررسی متون پایه‌ی تاریخی در زمره‌ی مقدمات ضروری پژوهش در تاریخ یک کشور است. متون تاریخ‌نگاری در کنار اسناد و مدارک در واقع منابع اصلی پژوهش تاریخی به شمار می‌آیند و از این رو بررسی نقادانه‌ی آن‌ها از چند منظر دارای اهمیت است:

۱- متن تاریخ‌نگاری گزارش رخداد‌های یک دوره زمانی است که ناگزیر به شکل روایتی یکپارچه و دارای ساختی منطقی در اختیار ما نهاده شده است. روایت چه در گزارش توصیفی سیر رخدادها و چه در تبیین آن، ابزار ضروری آفرینش و ارائه‌ی دانش تاریخی است و الگوی مشترک کهن‌ترین صور تاریخ‌نگاری بوده است.<sup>۱</sup> از آن‌جاکه روایت تاریخی روایتی معطوف و ملتزم به واقعیت است<sup>۲</sup>، نقد و ارزیابی آن از این منظر اهمیت ویژه دارد.

۲- متون تاریخ‌نگاری لزوماً محصول قلم مؤلف بوده و به شکل اجتناب‌ناپذیری از علایق ذهنی وی تأثیر پذیرفته‌اند. به بیان دیگر، هر متن تاریخ‌نگاری نشان‌دهنده‌ی نمایی از رخداد‌های تاریخی یک دوره از دریچه‌ی نگاه مؤلف آن است. چنین نمایی ناگزیر سرشتی گزینشی داشته و بازتاب‌دهنده‌ی ابعادی از سیر رخدادهاست که زاویه دید مؤلف تعیین‌کننده‌ی آن است. بالطبع، نگرش تاریخ‌نویس در تعیین چند و چون این بازنمایی محوریت دارد. با این وجود، چنین ویژگی‌ای به هیچ روی بدان معنا نیست که تاریخ‌نویسان در گزارش سلیقه‌ای سیر رخدادها مختارند. درواقع تاریخ‌نویسان تعهدی اخلاقی و حرفه‌ای به بیان بی‌کم‌وکاست امر واقع دارند و بخشی از اهمیت نقد تاریخی نیز ناظر بر قابلیت آن برای سنجش میزان پایداری تاریخ‌نویسان به چنین تعهدی است. با این وجود نفس این واقعیت که تاریخ‌نویسان پرورش یافته در زمینه‌ی فرهنگی خاص خود هستند، ایجاب می‌کند که ذهنیتی منطبق بر همان زمینه‌ی فرهنگی داشته باشند.

۳- تاریخ‌نویسان نیز فرزند زمان خویش بوده و از این منظر محصول کار ایشان به ناگزیر از زمینه و زمانه‌ی تاریخی روزگارشان تأثیرپذیر بوده است. این‌که چنین زمینه‌ای تا چه میزان و به چه نحو در شکل‌گیری روایت تاریخی نقش داشته است، مسأله‌ای است که موضوع نقد تاریخی است.

۴- بخش قابل توجهی از آثار تاریخ‌نگاری را نمی‌توان نتیجه‌ی علاقه‌ی صرف تاریخ‌نویسان به ارائه‌ی گزارشی از تاریخ زمان خویش دانست. تألیف این آثار گاه به صورت مستقیم تحت حمایت دولت‌ها بوده و بالطبع تأمین منافع این دولت‌ها، به‌ویژه از منظر مشروعیت‌بخشی، خواسته یا ناخواسته در زمره‌ی اهداف تاریخ‌نویسی بوده است. چنان که در ایران دست‌کم از دوره‌ی مغول به بعد، تاریخ‌نویسی به عنوان ابزاری سودمند مورد توجه امرا و پادشاهانی قرار گرفت که خواهان اعتلای نام خویش در تاریخ و ضبط و ثبت مآثر و آثار خود بودند. کارکرد مشروعیت‌بخشی تاریخ‌نگاری از جمله دقایقی است که در بررسی و نقد متون تاریخی همواره می‌بایست مورد توجه قرار گیرد.

۵- هر متن تاریخی به نوبه‌ی خود بخشی از یک سنت تاریخ‌نگاری محسوب می‌شود و در مواردی نظیر موضوع پژوهش پیش‌رو نقطه‌ی عطفی در جریان تاریخ‌نویسی به حساب می‌آید. طبعاً در چنین مواردی بررسی نقادانه‌ی یک متن از نقطه نظر جایگاه آن در شکل‌گیری و تحول یک سنت تاریخ‌نگاری دوچندان می‌شود.

بدین ترتیب اهمیت نقد متون تاریخی از منظری تخصصی درخور توجهی ویژه است و این اهمیت زمانی دوچندان می‌شود که متن مورد نظر جایگاه برجسته‌ای در عرصه‌ی تاریخ‌نگاری داشته باشد. تردیدی نیست که نقد یک متن نیز از زوایای مختلف و بسته به گرایش نقدکننده قابل طرح است. چنان که متون تاریخی از آن جا که بخشی از ادبیات به حساب می‌آیند در چهارچوب نظریه‌های ادبی و زبان‌شناسی نیز نقدپذیرند. اما آنچه در این جا از اصطلاح «نقد تاریخی» مراد است، ناظر بر مباحث نظری جدید نبوده و بیش از هر چیز مطالعه‌ی روشمند یک متن تاریخی از نقطه‌نظر معرفی جایگاه آن در سنت تاریخ‌نگاری‌ای است که خاستگاه آن متن است و بررسی نگرشی که چنان متنی آفریده‌ی آن است. بر این اساس، به نظر می‌رسد مطالعه‌ی نقادانه‌ی متون تاریخ‌نگاری چه از منظر بررسی فراگیرتر سنت‌های تاریخ‌نگاری و چه به لحاظ دستیابی به اهداف مطرح در مطالعه‌ی تاریخ باید مورد توجه قرار گیرد.

### تاریخ‌نامه‌ی بلعمی و جایگاه آن در عرصه‌ی تاریخ‌نگاری اسلامی

تاریخ‌نامه‌ی بلعمی دست‌کم تاکنون هم‌چنان مقام خود را به عنوان

نخستین اثر مدون تاریخ‌نگاری به زبان فارسی حفظ کرده است. تاریخ‌نامه را می‌بایست در زمره‌ی تأثیرگذارترین آثار تاریخ‌نگاری فارسی به شمار آورد. چراکه این اثر نه‌تنها سنگ‌بنا و سرآغاز جریان تاریخ‌نویسی به زبان فارسی محسوب می‌شود، بلکه همواره جایگاه ویژه‌ای را نیز در عرصه‌ی تاریخ‌نگاری اسلامی حفظ کرده و به مدت هزار سال مورد توجه و استفاده تاریخ‌پژوهان حوزه ایران و اسلام بوده است. این اثر را بعدها تاریخ‌نویسان و تاریخ‌پژوهان به زبان‌های عربی و ترکی نیز ترجمه کرده‌اند که خود نشان‌دهنده‌ی ارزش خاص آن در عرصه‌ی تاریخ‌پژوهی اسلامی است. به نظر می‌رسد اطلاق عنوان «ترجمه‌ی تاریخ طبری» تا اندازه‌ی قابل توجهی اهمیت تاریخ‌نامه‌ی بلعمی را به عنوان متنی مستقل و دارای اصالت تحت الشعاع قرار داده است و چه‌بسا چنین برداشتی برخی پژوهشگران چون بهار را واداشته تا به شکلی گذرا از کنار این اثر بگذرند و آن‌طور که شاید به معرفی مقام آن، چه در عرصه‌ی عمومی نثر ادبی فارسی و چه در زمینه‌ی جریان تاریخ‌نویسی فارسی همت نگمارند.<sup>۳</sup> باین وجود، به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر، تاریخ‌نامه بار دیگر توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده و پس از مقاله‌ی التون دانیل در معرفی نسخه‌شناسانه‌ی این متن<sup>۴</sup> و بررسی کوتاه، لیکن ارزشمند میثمی از آن در زمینه‌ی جریان تاریخ‌نویسی فارسی در دوره‌ی سامانی<sup>۵</sup>، اینک نوبت به «اندرو پی‌کاک» رسیده است تا پژوهش مستقل و پرمایه‌ای را به مطالعه‌ی نقادانه‌ی متن تاریخ‌نامه و جایگاه آن در عرصه‌ی تاریخ‌نگاری دوره میانه‌ی اسلامی اختصاص دهد.

### تاریخ‌نگاری میانه اسلامی و مشروعیت سیاسی: تاریخ‌نامه‌ی بلعمی از نگاه اندرو پی‌کاک

مطالعه‌ی پی‌کاک از تاریخ‌نامه بلعمی را می‌توان نخستین پژوهش روشمند و مفصل از این اثر تاریخ‌نگاری به حساب آورد که به نحوی متمرکز بررسی نقادانه‌ی این متن را هدف قرار داده است. آن‌گونه که از عنوان کتاب برمی‌آید هدف اصلی پی‌کاک از این پژوهش، افزون بر معرفی دقیق تاریخ‌نامه به عنوان یک متن پایه و درخور نگرش در زمینه‌ی تاریخ‌نگاری فارسی و اسلامی، پاسخ به این مسأله است که شرایط سیاسی و زمینه‌ی تاریخی تا چه میزان و به چه شکل در تألیف، محتوا، مقبولیت عمومی و تحولات بعدی این متن تأثیرگذار

تاریخ‌نامه بلعمی را می‌بایست در زمره‌ی تأثیرگذارترین آثار تاریخ‌نگاری فارسی به شمار آورد. چراکه نه‌تنها سنگ‌بنا و سرآغاز جریان تاریخ‌نویسی فارسی است، بلکه به مدت هزار سال مورد توجه و استفاده تاریخ‌پژوهان حوزه ایران و اسلام بوده است

متون تاریخ‌نگاری لزوماً محصول قلم مؤلف بوده و به شکل اجتناب‌ناپذیری از علایق ذهنی وی تأثیر پذیرفته‌اند. به بیان دیگر، هر متن تاریخ‌نگاری نشان‌دهنده‌ی نمایی از رخداد‌های تاریخی یک دوره از دریچه‌ی نگاه مؤلف آن است

## تاریخ‌نامه

اصلی چنین وضعی را غفلت پژوهشگران از مطالعه‌ی جدی منابع تاریخ‌نگاری اسلامی و عدم اهتمام ایشان به ویرایش و چاپ بخش قابل‌توجهی از متون تاریخ‌نگاری می‌داند. این درحالی است که به گفته‌ی وی منابع تاریخ اروپای دوره‌ی میانه نه تنها ویراسته شده و در دسترس محققان قرار گرفته‌اند، بلکه بسیاری از آن‌ها از نقطه نظر مکاتب ادبی و زبان‌شناسی نیز مورد نقد و بررسی واقع شده‌اند (p.۲). البته پی‌کاک، وضع پژوهشگران تاریخ ایران را از این نظر که دست کم بیشتر منابع مورد نیاز ایشان اگرچه به شکل خام چاپ شده و در دسترس قرار گرفته‌اند، بهتر از بقیه می‌داند. وی تأکید می‌کند به‌رغم این که تاریخ‌پژوهان حوزه اسلام و ایران از برخی امکانات نظیر سکه‌شناسی و کتیبه‌ها نیز برخوردارند، تردیدی نیست که تکیه‌ی اصلی آن‌ها منابع تاریخ‌نگاری است. پی‌کاک، کنت لوتر<sup>۶</sup> و مرین والدمن<sup>۷</sup> را از جمله معدود پژوهشگرانی می‌داند که توانسته‌اند به مطالعه‌ی نسبتاً ژرف‌تری از منابع تاریخ‌نگاری اسلامی بپردازند و اثر میثمی را نیز با وجود امتیازات ویژه‌ی آن به عنوان نخستین مطالعه‌ی فراگیر تاریخ‌نویسی فارسی، با هدف درک سیماهای غالب ژانر ادبی آن، از آن رو که بخش اعظم منابع مورد استفاده‌ی آن هنوز مورد مطالعه و نقد جدی قرار نگرفته‌اند، درخور تأمل می‌داند. به باور پی‌کاک، تا زمانی که این خلأ، یعنی فقدان پژوهش‌های اساسی در حوزه‌ی منابع تاریخ‌نگاری فارسی برطرف نشود، دشوار می‌توان به درک استوار و ژرفی از سیماهای اصلی جریان تاریخ‌نویسی فارسی دست یافت (p.۳). نویسنده تلقی تاریخ‌نگاری دوره‌ی میانه را متفاوت از امروز دانسته و بر آن است که امروزه تأکید اصلی و محور تاریخ‌نگاری اصل رانکه‌ای «تلاش در راستای بازسازی گذشته چنان که بود» است، حال آن که در گذشته توجه به تاریخ عمدتاً از منظر درس‌های اخلاقی آن و عبرت‌پذیری بوده است. وی تاریخ‌نگاری دوره‌ی میانه‌ی اسلامی را دارای پیوندی استوار با دین و سیاست دانسته و برای نمونه، تعلق خاطر تاریخ‌نویسان به تعیین مقام یگانه‌ی پیامبر اسلام در عرصه‌ی تاریخ را دلیل اصلی توجه ایشان به اسرئیلیات و نقل مؤکد آن در تاریخ‌نویسی اسلامی می‌داند. وی بر آن است که از نگاه تاریخ‌نویسان

بوده است. از نگاه نویسنده، تاریخ‌نامه‌ی بلعمی به عنوان یکی از متون مطرح تاریخ‌نگاری اسلامی از چند منظر شایسته‌ی توجهی ویژه است. نخست این که این متن مستقیماً به سفارش و زیر نظر منصور بن نوح، امیر مقتدر سامانی (زاممداری ۳۵۰-۳۶۵ ه.ق.) به عنوان فرمانروای یکی از نخستین دولت‌های مقتدر و بزرگ اسلامی و توسط یکی از وزرای صاحب نام این سلسله تألیف شده است. از این رو، به‌ویژه با توجه به این که تاریخ سلسله‌ی سامانی (۲۶۱-۳۹۵ ه.ق) به‌رغم مقام کم‌نظیر آن در تاریخ اسلام و ایران، هنوز آن‌طور که باید مورد مطالعه قرار نگرفته است، تاریخ‌نامه دربرگیرنده‌ی آگاهی‌های ارزنده‌ی درباره‌ی سیاست و ایدئولوژی دولت سامانی خواهد بود. دیگر آن که تاریخ‌نامه نه آن‌چنان که عنوان تاریخی آن القا می‌کند، گردانیده‌ی صرف تاریخ طبری، بلکه اثر مستقل و استواری است که از زوایای مختلف درخور بررسی است. نکته‌ای که پیش از این پژوهشگران دیگری چون دانیل نیز بر آن تأکید ورزیده‌اند. پی‌کاک، نیز همچون دانیل معرفی تاریخ‌نامه را به عنوان ترجمه‌ی صرف تاریخ طبری، جفایی بزرگ در حق این اثر می‌داند، چرا که به زعم وی، تاریخ‌نامه چه در سبک و قالب روایی و چه در محتوا از کار طبری متمایز است (p.۴). نهایتاً این که متن تاریخ‌نامه در سراسر دوره‌های پسین مورد توجه و بهره‌برداری نسل‌های بعدی مورخان بوده است و ایشان نیز به اقتضای گرایش‌های سیاسی خود در آن دست برده‌اند. این بدان معناست که نسخه‌های پرشمار این اثر که پی‌کاک برمبنای تحقیق دانیل، تعداد آن‌ها را ۱۶۰ مورد برشمرده است، گرفتار تحریف و اختلاف فراوان شده‌اند. پی‌کاک در پیش‌گفتار پژوهش خود به برخی کاستی‌های موجود در حوزه‌ی تحقیقات مربوط به تاریخ‌نگاری اسلامی اشاره کرده و بر آن است که نقد و بررسی روش‌مند منابع تاریخ‌نگاری همچنان از جمله حوزه‌هایی است که نیازمند عنایت بیشتر تاریخ‌پژوهان است. به باور وی، درک ناقص و نارسایی از سنت‌های تاریخ‌نگاری اسلامی چه به زبان فارسی و چه عربی و ترکی و ارتباط این سنت‌ها با یکدیگر وجود دارد. کاستی‌ای که به‌ویژه در مقام مقایسه با وضعیت پژوهش در تاریخ‌نگاری اروپای سده‌های میانه آشکارا مشهود است. وی علت

### پی‌کاک در پیش‌گفتار پژوهش خود به برخی کاستی‌های موجود در حوزه‌ی تحقیقات مربوط به تاریخ‌نگاری اسلامی اشاره کرده و بر آن است که نقد و بررسی روش‌مند منابع تاریخ‌نگاری همچنان از جمله حوزه‌هایی است که نیازمند عنایت بیشتر تاریخ‌پژوهان است

به مشروعیت سیاسی خود بود (P.۴۷). وی در این زمینه به «ترجمه‌ی سواد اعظم» پس از تفسیر و تاریخ طبری استناد می‌کند که محتوای آن دستور و راهنمای آیین درست اسلامی منبعث از سیره‌ی پیامبر و صحابه بود. از طرف دیگر، پی‌کاک اقدام امرای سامانی در شاعرپروری و حمایت از شعر فارسی را تدبیری سیاسی می‌داند که مشخصاً ریشه در خاطره‌ی شکوهمند دربار ساسانی داشت. به نظر وی این اقدام امرای سامانی در کنار اقدامات دیگری نظیر ضرب سکه‌های منقوش به نقش‌های ترکیبی اسلامی و پهلوی و به‌کارگیری عنوان شاهنشاه، روش دیگری در ارتقای مشروعیت سیاسی با بهره‌گیری از خاطره‌ی پادشاهان باستانی خصوصاً در رویارویی با رقبای بویهی بود (Ibid). بر این اساس، پی‌کاک با ترسیم چشم‌اندازی از زمینه‌ی تاریخی ویران‌دوان در دوره‌ی مورد‌گفت‌وگو و ویژگی‌های سیاسی و فرهنگی دولت سامانی، نفس اهتمام به تألیف تاریخ‌نامه را اقدامی در راستای اهداف سیاسی سامانیان و با هدف مشروعیت‌بخشی به اقتدار سیاسی این دولت می‌داند.

پی‌کاک، فصل بعدی پژوهش خود را به طور کلی به بررسی روند انتقال متن تاریخ‌نامه به دوره‌ی حاضر و ویژگی‌های نسخه‌های موجود اختصاص داده است. وی اهمیت نقل شفاهی را یکی از بارزترین مشخصه‌های تمدن اسلامی و از دلایل اصلی ناپایبندی رونوشت برداران به انتقال بی‌کم و کاست و بدون تغییر متون می‌داند (P.۴۸). امری که به باور وی زمینه را برای جرح و تعدیل‌های آزاد متون توسط خوانندگان، نویسندگان و نساخان باز کرده است. بر این اساس وی معتقد است که هرگونه مطالعه‌ی «تاریخ‌نامه» بلعمی در مرتبه‌ی نخست ناگزیر از پذیرش این واقعیت است که متن مزبور در سیر تاریخی خود به اشکال مختلف دچار تغییر شده است. وی کاربرد اصطلاح «تحریر»<sup>۸</sup> توسط دیگر محققان برای نامیدن نسخه‌های پرشمار تاریخ‌نامه را نارسا می‌داند و در این راستا ترجیح می‌دهد اصطلاح جدیدی به نام «نقل افقی»<sup>۹</sup> را در توصیف موقعیت متن مورد بحث پیش بکشد (P.۵۰). وی کاربرد این اصطلاح را در مواردی پیشنهاد می‌کند که متنی نظیر تاریخ‌نامه در نتیجه‌ی قرائت از متون مختلف

و حاکمان، ادب و نوشتار این قابلیت را دارا بود که در کنار سکه، هنر و معماری به عنوان ابزار مؤثر دیگری برای بیان مشروعیت سیاسی مطرح شود و «نظام التواریخ» را نمونه‌ی جالب‌توجهی در این زمینه می‌داند. وی در عین حال تأکید می‌کند که تاریخ‌نویسان نیز در موارد پرشماری به بوی جلب عنایات ملوکانه و بهبود جایگاه اجتماعی خود به نگارش آثاری روی می‌آوردند که مشروعیت‌بخشی سیاسی را منظور داشت.

نویسنده سپس به دشواری‌های موجود بر سر راه خود در راستای نیل به متنی پایه و قابل استناد از تاریخ‌نامه اشاره می‌کند و فراوانی نسخه‌های موجود در کنار اختلاف گاه اساسی نسخه‌ها را علت اصلی اختصاص بخشی از مطالعه‌اش به شناسایی نسخه‌ها و تعیین موارد تغییر یافته در متن می‌داند. پی‌کاک، متن چاپ محمد روشن را با توجه به اضافات تشیع‌محور آن و افزوده‌های مصحح از منابع دیگر، متن قابل اعتمادی ندانسته و بر آن است که محصول کار وی «متنی غیرتاریخی است که ترکیب ناپهنجاری از سوگیری‌های مذهبی را در آن می‌توان مشاهده کرد و تا سال‌های پایانی قرن بیستم وجود نداشته است» (P.۶). نویسنده، پس از این مقدمات در بخش بعدی سخن خود به سبک دیگر پژوهشگران، ضروری دیده است که نگاهی گذرا به زمینه‌ی تاریخی‌ای که تاریخ‌نامه محصول آن است داشته باشد. از این رو در این بخش با عنوان «اوضاع سیاسی، دین و فرهنگ در دوره‌ی متأخر دولت سامانی» سیمایی عمومی و فراگیر از موضوع بحث ترسیم می‌کند. آن گونه که در ادامه‌ی بحث روشن خواهد شد، هدف اصلی پی‌کاک از طرح این نمای عمومی، پرداختن دوباره به فرضیه‌هایی است که در توضیح تفاوت‌های موجود میان متن تاریخ‌نامه و تاریخ طبری ارائه شده است. پی‌کاک در بررسی خویش از سیاست فرهنگی دولت سامانی در حمایت از گسترش نثر فارسی بر آن است که هدف اصلی این دولت از حمایت از ترجمه‌ی متون تفسیر طبری و تاریخ طبری که در نتیجه به ظهور و گسترش نثر فارسی انجامید، تمایل دولت به تبلیغ ارزش‌های محافظه‌کارانه‌ی اسلامی در جامعه‌ی دین‌باور ویران‌دوان و در نتیجه استواری بخشیدن

پی‌کاک معتقد است که هرگونه مطالعه‌ی  
«تاریخ‌نامه» بلعمی در مرتبه‌ی نخست ناگزیر از  
پذیرش این واقعیت است که متن مزبور در سیر  
تاریخی خود به اشکال مختلف دچار تغییر شده است

## تاریخ‌نامه

در عین حال مبنای اصلی روایت خود را آیات قرآن قرار می‌دهد که اغلب به عربی نقل شده‌اند. بر همین مبنای پی‌کاک برخی آرا درباره‌ی گرایش‌های ملی‌گرای بلعمی را در تألیف تاریخ خود رد می‌کند و بهره‌گیری فراوان وی از قرآن و عبارات عربی را دلیل این برداشت می‌داند. پی‌کاک در بررسی تاریخ‌نامه‌ی بلعمی و تفاوت‌های آن با متن تاریخ طبری قائل به دو تغییر عمده است: تغییر در شکل و تغییر در محتوا. حذف اسناد و اخبارها به عنوان برجسته‌ترین وجه اختلاف ظاهری تاریخ‌نامه و تاریخ طبری، تغییر روش طبری در پرداخت کرونولوژیک و سال‌نگارانه‌ی تاریخ و ارائه‌ی روایتی روان‌تر و منسجم‌تر با تأکید کمتر بر اهمیت سال‌ها و بهره‌گیری از آیات قرآنی و ذکر پرشمار روایات عربی، به ویژه با توجه به این که بسیاری از این آیات و عبارات ترجمه نشده‌اند، از دیگر سیماهای عجیب تاریخ‌نامه است. تفاوت‌های شکلی نیز میان تاریخ‌نامه با متن تاریخ طبری وجود دارد. همچنین گرایش بلعمی به تأکید بر اختلاف با طبری در نقل رویدادها از دیگر وجوه تمایز تاریخ‌نامه با تاریخ طبری است. پی‌کاک با برشمردن مواردی از این وجوه اختلاف تاریخ‌نامه و تاریخ طبری بر آن است که هدف اصلی بلعمی از این کار در واقع رقابت با طبری و مرجعیت مشهور اثر وی بوده است (p. ۸۵). وجوه تمایز محتوای تاریخ‌نامه با تاریخ طبری نیز دربرگیرنده‌ی موارد قابل توجهی است. منابع بیشتری که بلعمی در تألیف تاریخ‌نامه از آن بهره گرفته است و موضوعات جدیدی که وی مورد توجه قرار داده، خصوصاً تاریخ عمومی پیش از اسلام که پی‌کاک در نموداری مقایسه‌ای آن را نشان داده است (p. ۹۵-۹۴)، از این جمله است. البته همان طور که پی‌کاک در نمودار ۲/۳ (p. ۹۵) نشان داده است، این افزوده‌ها ناظر بر تعلق خاطر بلعمی به تاریخ ایران باستان نیست. در فصل چهارم، نویسنده فرضیه‌های پژوهشگران دیگر در توضیح اهداف بلعمی را از بازپردازی تاریخ طبری به چالش می‌کشد. به باور پی‌کاک، هیچ نشانه‌ای مبنی بر این که تاریخ بلعمی تاریخ از یک چشم‌انداز خاص ایرانی نوشته شده است، به چشم نمی‌خورد. چنان که در گزارش تاریخ اسکندر، گرایشی به شاهنامه یا اثر حمزه اصفهانی که با بهره‌گیری از گزارش‌های ایران‌گرایانه و مبتنی بر سنن زرتشتی و

دچار تباهی شده باشد. وی با استناد به نسخه‌ی متقدمی از ترجمه‌ی عربی تاریخ‌نامه‌ی بلعمی نشان می‌دهد که متن مزبور در مقایسه با ویرایش‌های فارسی موجود از تاریخ‌نامه به مراتب اعتمادپذیرتر است. وی کشف این نسخه از تاریخ‌نامه را از آن جهت مبارک می‌داند که با وجود ترجمه بودن و کاستی‌های خاص آن، دستیابی به نسخه‌ی اصیل‌تری از تاریخ‌نامه را تسهیل خواهد کرد. پی‌کاک در بخش پایانی این فصل از کار خود دلایلی را برای ادعای اش مبتنی بر اعتمادپذیری متن عربی مورد اشاره که از آن به «Add ۸۳۶» نام می‌برد، ارائه می‌کند و اظهار می‌دارد که افزون بر بحث‌های تکنیکی، این متن در مقایسه با بسیاری از نسخه‌های فارسی موجود، از تأثیرات مذهبی شیعی برکنار مانده است (p. ۷۲).

نویسنده در دو فصل بعدی که به ترتیب «بازپردازی بلعمی از تاریخ طبری» و «محتوا و اهداف بلعمی از تغییر متن تاریخ طبری» است، به نقد متن تاریخ بلعمی از منظر تغییرات صورت پذیرفته در آن در مقایسه با متن تاریخ طبری می‌پردازد. به نوشته‌ی وی با ادعان به اختلافات نسخه‌های پرشمار فارسی تاریخ‌نامه با یکدیگر، موارد معینی را به عنوان سیماهای ویژه‌ی تاریخ‌نامه ذکر نمود. «در این میان، برجسته‌ترین این مشخصه‌ها، حذف «اسنادها» و «اخبار» از متن اصلی و استواری بخشیدن به متن پرتراکم و تکرار طبری در قالب روایتی یک‌دست و روان است. افزون بر این، بلعمی اغلب، چه به تصریح و چه ضمنی روایت طبری را نقض نموده و در مواردی آشکارا منابع دیگری را مرجع قرار می‌دهد که برخی از این منابع بی آن که به فارسی ترجمه شده باشند، به همان زبان عربی آمده‌اند (p. ۷۳)». پی‌کاک بر آن است که بررسی متن تاریخ‌نامه و مقایسه‌ی آن با متن طبری نشان‌دهنده‌ی تمایز جدی این دو متن بوده و حکایت از آن دارد که روش بلعمی در تاریخ‌نگاری اساساً از روش طبری متفاوت است. به عبارتی در حالی که تاریخ‌نگاری طبری مبتنی بر سنت تاریخ‌نگاری عربی بوده و ساز و کار اسناد و اخبار و نقل رویدادنگارانه از اصول آن بود، بلعمی نه تنها این شیوه را به کناری گذاشت؛ بلکه حتا بیش از طبری به داستان‌های پیامبران پیش از اسلام علاقه نشان داد. وی

## پی‌کاک در بررسی تاریخ‌نامه‌ی بلعمی و تفاوت‌های آن با متن تاریخ طبری قائل به دو تغییر عمده است: تغییر در شکل و تغییر در محتوا

# تاریخ‌نامه

براین که چرا تاریخ‌نامه تا این اندازه از متن اصلی یعنی تاریخ طبری مستقل است، سه نکته را پیش می‌کشد: نخست این که اگرچه تاریخ طبری بیان‌گر نگرشی برآمده از اجماع مسلمانان بود، به‌هیچ‌وجه برکنار از علایق و تعصبات مؤلف آن نبود. چنان‌که در دو مورد حادثه کربلا و ارتداد بنی‌تمیم، بلعمی کوشید گزارش معتدل و به واقعیت نزدیک‌تری ارائه کند. دوم این که بلعمی برخلاف طبری که روایات مختلفی از یک رخداد را بیان کرده، کوشیده است روایتی گزیده، روان و یکپارچه را که نماینده‌ی درکی نسبی و در عین حال معتدل از رخدادهاست، ارائه کند. نهایتاً این که بلعمی خود را نه صرف مترجم که تاریخ‌نویسی مستقل می‌دانسته است که اثر وی بیان‌گر اراده‌ی دولت سامانی برای دفاع از اسلامی است که طبری آن را برکشیده است. واپسین پرسشی که پی‌کاک در این پژوهش به آن پاسخ می‌دهد، این که از چه رو نسخ پرشمار تاریخ‌نامه تا این اندازه دچار آشفتگی و اختلاف‌اند؟ دلایلی که پی‌کاک در توضیح این مسأله ارائه می‌کند، عبارتند از: نخست، محبوبیت کم‌نظیر تاریخ‌نامه و بهره‌گیری از آن در دوره‌های مختلف با اهداف متفاوت. دیگر، استنساخ امری متفاوت از چاپ است و طبعاً متون در هر مرتبه استنساخ، در معرض برخی جرح و تعدیل‌های جزئی و کلی بوده‌اند. افزون براین، حدود بازتولید نوشتاری و شفاهی متون ثابت نبوده و به‌ویژه در سنت اسلامی همواره نقل شفاهی از ارجح بیشتری برخوردار بوده است.

### پی‌نوشت:

1. استفورد، مایکل؛ درآمدی بر تاریخ پژوهی، ترجمه مسعود صادقی، تهران ۱۳۸۴، ص ۱۶۱.
2. Alun Munslow: *The Routledge Companion to Historical Studies*, Routledge, London&NewYork, ۲۰۰۰, s.v. "Narrative"
3. بنگرید به: بهار، محمدتقی؛ سبک‌شناسی یا تاریخ‌طور نثر فارسی، (تهران: انتشارات زوار، ۱۳۸۱)، جلد دوم، صص ۲۸-۲۹.
4. E. Daniel; "Manuscripts and Editions of Bal'ami's *Tarjomah-I Tarikh-I Tabari*" *Journal of Royal Asiatic Society*, ۲۸۲(۱۹۹۰):۲۸۲-۳۲۱.
5. J. S. Maisami; *Persian Historiography to the End of Twelfth Century*, (Edinburgh: Edinburgh un. Press, ۱۹۹۹), pp.۲۲-۲۷.
6. Kenneth Luther
7. Marilyn Waldman
8. redaction
9. Horizontal transmission

ساسانی نوشته شده، دیده نمی‌شود. نویسنده تاریخ‌نامه را اثری مشخصاً اسلامی می‌داند که محور و منبع اصلی قرآن و مخاطب اصلیش نیز مسلمان معتقد و وفادار به سنت است. وی هم‌چنین این فرضیه را که تاریخ‌نامه اثری راست‌گیش است که در تقابل با گرایش‌های کژآیینی چون باطنی‌گری تألیف شده است، رد می‌کند. «در هیچ کجای این اثر ردیه‌ی مستقیمی بر دیدگاه‌هایی که بلعمی با آن مخالف بوده است نیامده و هیچ اشاره و کنایه‌ای نیز به اسماعیلیه، شیعی‌گری یا دیگر آموزه‌های مطرح در جهان اسلام قرن چهارم/دهم دیده نمی‌شود» (p.۱۰۴). پی‌کاک، مقبولیت قابل‌توجه تاریخ‌نامه را در میان نسل‌های بعدی اعم از شیعه و سنی نیز تا اندازه‌ی زیادی نتیجه‌ی توفیق بلعمی در ارائه‌ی تصویر معتدل و معقولی از تاریخ اسلام می‌داند. نویسنده در فصل پایانی این پژوهش با تأکید بر هویت مستقل و استوار تاریخ‌نامه کوشیده است به سه پرسش اساسی درباره‌ی این اثر پاسخ دهد. نخست این که اصولاً هدف دولت سامانی از سفارش ترجمه تفسیر و تاریخ طبری چه بود. پی‌کاک بار دیگر فرضیه‌ی دیگر پژوهشگران را مبنی بر این که ترجمه‌ی تاریخ طبری اقدامی در راستای مقابله با باطنی‌گری بوده است، رد می‌کند. اگرچه معتقد است که در ماوراءالنهر دوره‌ی سامانی گرایش‌های کژآیینی چون مانوی‌گری حضور پررنگی داشته‌اند و «ترجمه‌ی سواد اعظم» در رویارویی با گرایش‌های معتزلی خود نشان‌گر کارآیی ترجمه در این زمینه بود. وی هم‌چنین تأکید می‌کند که «ایران‌گرایی» جایی در ذهن مترجمان این دوره نداشته است. به نظر وی توجه به نهضت ترجمه‌ای که در همین دوره و با حمایت کارساز دولت عباسیان شکوفا شد، می‌تواند به درک بهتری از اهداف سامانیان یاری رساند. چراکه عباسیان نیز با آگاهی از میزان اهمیت چنین اقدامی در اعتلای مشروعیت و اقتدار این سلسله‌ی نوپنیا در قلمروی که دربرگیرنده‌ی ملل و اقوام گونه‌گون بود، به آن توجه کردند. به باور پی‌کاک، زمینه‌ای که سامانیان قصد داشتند شالوده‌ی فرهنگی مشروعیت دولت خویش را برآن قرار دهند، اسلامی و نه ایرانی بود. در زمانه‌ای که دولت‌های شیعی در سراسر قلمرو اسلامی شکل گرفته بودند و بغداد را نیز زیر فرمان خود داشتند، سامانیان با حمایت از ترجمه‌ی دو اثر بزرگ و صاحب نام سنی خود را وفادار به خلافت نشان دادند. پی‌کاک در پاسخ به پرسش دوم مبنی